**جلسه 42-154**

**دو‌شنبه - 04/10/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که آیا قبله افرادی که بعید هستند از مکه عین الکعبة‌ است یا جهة الکعبة؟

مطالبی را از مرحوم نائینی و مرحوم آقای خوئی و مرحوم آقای بروجردی نقل کردیم و اشکال او را بیان کردیم. عرض کردیم این‌که ما بگوییم استقبال سبع الدائرة که مرحوم آقای خوئی فرمود یا ربع الدائرة که آقای بروجردی فرمود که انسان به سمت جنوب بایستد عرفا استقبال قبله است. همین که یک خطی از وجهش به سمت این قبله کشیده بشود کافی است در صدق استقبال که مرحوم آقای بروجردی فرمودند عمدا هم نتیجه می‌‌گیریم که می‌‌شود چهل و پنج درجه از قبله به طرف راست و چپ منحرف بشویم.

عرض کردیم این‌ها عرفی نیست. اگر در مسجد النبی صلی الله علیه و آله که محراب پیامبر مشخص بود یک شخصی می‌‌آمد و چهل و پنج درجه یا حتی کمتر سی درجه به سمت راست یا به سمت چپ منحرف می‌آیستاد، ‌ارتکاز مسلمین او را مستقبل القبلة می‌‌دید؟ ابدا این‌طور نیست. و لذا نمی‌شود این مطالب را پذیرفت.

امام قدس سره مطالبی اینجا دارند، مطالب ایشان را هم عرض کنیم بعد جمع‌بندی کنیم بحث را.

امام فرمودند که، در ذیل این عبارت عروه که یجب استقبال عینها لا المسجد او الحرم و لو للبعید، استقبال عین کعبه لازم است حتی برای افراد دور، استقبال مسجد یا حرم کافی نیست، امام فرمودند که بله، قبول داریم که استقبال عین کعبه واجب است حتی برای افرادی که دور هستند از مکه و لکن هر چه انسان دور بشود استقبال مسجد مساوی خواهد بود با استقبال کعبه، ‌دورتر که بشویم استقبال حرم بکنیم مساوی است با استقبال کعبه. بیشتر دور بشویم مثل مردم عراق و ایران استقبال کنیم حجاز را، این استقبال کعبه است. مثال می‌‌زند. می‌‌فرمایند ببینید! خورشید با این حجم بزرگ چون ما دور هستیم از آن و احساس ما خورشید کوچک می‌آید و لذا افراد روی زمین هر کجا که می‌آیستند فکر می‌‌کنند که روبری خورشید هستند. شما در ایران به سمت خورشید می‌آیستید می‌‌گویید من روبروی خورشید هستم. آن شخصی هم که در عراق است می‌‌گوید من روبروی خورشید هستم. جهتش این است که خورشید چون دور هست از ما و لذا محاذات او توسعه دارد و صدق می‌‌کند استقبال خورشید و لو بر این خط طویل که از ایران و عراق و این‌ها می‌‌گذرد، ‌همه مردم در ساعت خاصی می‌‌گویند روبروی خوشید قرار گرفتیم مثلا. پس صحیح است که بگوییم کل ما ازداد الشیء بعدا ازداد اتساعا فی المحاذاة.

بعد ایشان فرموده است که این مطلبی هم که بحث شد اگر قبله عین الکعبة باشد پس صف طولانی که تشکیل می‌‌شود در جماعت و بیش از آن حدودا ده متر دیوار کعبه است، باید بگوییم بخشی از آن محاذی کعبه نیست. ایشان فرموده که این مطلب درست نیست. حتی اگر به اندازه نصف دائره زمین صفی تشکیل بشود مستقیم، چون زمین کروی است، ‌کرویت زمین به این خط قوس می‌‌دهد و نسبت این‌ها به مکه علی حد سواء می‌‌شود. این‌ها فکر کردند زمین مسطح هست، ‌در حالی که زمین کروی است و انحناء‌ قهری در این صف که به تبع کروی بودن زمین حاصل می‌‌شود منشأ می‌‌شود که این صف همه محاذی کعبه باشند.

این فرمایش امام به نظر ما روشن نیست:

اما آن بخش اخیر: انصافا خلاف وجدان است. اگر صف آن قدر طولانی باشد که به قول ایشان نصف دائرة الارض باشد این مسلم باید قوس پیدا کند این خط به مرکزیت کعبه نه به مرکزیت مرکز زمین تا بتوانند همه بگویند ما مستقبل القبلة هستیم. شما این کره‌های زمین را بردارید آن خط نصف النهارش که از قطب شمال می‌آید به خط استواء، از خط استواء هم می‌‌رود به قطب جنوب، ‌این‌ها خط مستقیم است دیگه، این خط مستقیم همه در این خط مستقیم بایستند این‌ها رو به کعبه هستند؟‌ قطعا این‌طور نیست. باید یک خط قوسی دائره‌ای تشکیل بشود به محوریت مکه و لذا این خط هر چه بیشتر طولانی بشود باید بیشتر منحنی بشود نه به سمت مرکز کره زمین بلکه به سمت مرکز مکه.

و علت این‌که این صف‌های ما هر چی هم طولانی بشود مهم نیست برای این‌که نسبت این صف به مکه و درجات استقبال به مکه آنقدر ناچیز است که اصلا به حساب نمی‌آید ولی اگر این خط آنقدر طولانی بشود که به قول ایشان نصف دائره زمین را این خط مستقیم اشغال بکند، قطعا مستقیم بودن این خط مانع از صدق استقبال است؛‌ باید خط دائری بشود به مرکزیت مکه تا این‌ها بگویند ما روبروی مکه ایستادیم.

و اما آنچه که راجع به استقبال مکه فرمودند که هر چه ما دورتر می‌‌شویم، مستقبل حرم هم باشیم مستقبل مکه هستیم: این برای توجیه این‌که از راه دور استقبال حرم مساوی است با استقبال کعبه کما این‌که ما الان استقبال که می‌‌کنیم خورشید را، ‌هر جزئی از اجزاء خورشید که روبروی ما هست ما او را هم استقبال کردیم، ‌مستقبل او هستیم، برای این توجیه خوب است. اما نفهمیدیم چه مقدار انحراف به چپ و راست مجاز است؟ اصل بحث این است. اصل بحث این است که ما روبروی خورشید که می‌آیستیم چقدر انحراف به چپ یا راست مجاز است و مانع از صدق استقبال الشمس نیست. ایشان اصلا راجع به این مطلب بحث نکردند. بیشتر نظر ایشان به این است که استقبال حرم از راه دور استقبال کعبه هم هست، کعبه جزئی از حرم است، ‌بله؛‌ اتفاقا در کره ماه استقبال کره زمین استقبال کعبه است. ما که در این بحثی نداریم.

[سؤال: ... جواب:] استقبال کل کره زمین استقبال کعبه است.

کما این‌که استقبال کل این خورشید استقبال هر جزئی از اجزاء خورشید که به سمت ما هست خواهد بود.

و این محل نزاع نیست. چیزی که محل نزاع نیست چرا اینقدر بحث بکنیم؟ بحث در این است که همین استقبال الشمس ما چه مقدار منحرف بشویم به راست یا به چپ مانع از صدق استقبال نیست؟

[سؤال: ... جواب:] ما از همین جا اگر رو به حرم هم باشیم رو به کعبه هستیم. چون ما مستقبل تمام حرم باشیم مستقبل کعبه هم که جزئی از حرم است خواهیم بود. اصلا تفکیک‌پذیر نیست برای شخص دور. نمی‌شود شما از اینجا بگویید من مستقبل این بخش راست خورشید هستم یا بخش چپ خورشید هستم؛ این بی‌معنا است. شما وقتی روبروی خورشید قرار می‌‌گیرید مستقبل تمام خورشید هستید و در نتیجه مستقبل تمام اجزاء خورشید هستید. ما که در این بحث نداریم. بعید می‌‌دانم کسی راجع به این بحث کرده. آنی که بحث بود با شیخ طوسی این بود که ایشان گفت قبلة من کان فی مکة المسجد الحرام و قبلة من کان خارج الحرم الحرم، اشکال کردند به ایشان گفتند پس در خیابان‌های مکه نزدیک مسجد الحرام اگر ما جوری بایستیم که روبروی بخشی از مسجد الحرام هستیم ولی روبروی کعبه نیستیم یا بیرون حرم جوری بایستیم که روبروی بخشی از حرم هستیم اما روبروی کعبه نیستیم باید شیخ طوسی بگوید مجزی است در حالی که این خلاف ارتکاز متشرعه است که استقبال کعبه لازم است، الکعبة قبلتی. ایشان یک جوری مطرح می‌‌کنند که هر چقدر دورتر بشویم کسی که استقبال می‌‌کند مسجد الحرام را این لاینفک است از این‌که استقبال کعبه هم می‌‌کند. دورتر که بشویم استقبال حرم کسی بکند لامحالة استقبال می‌‌کند کعبه را که جزئی از حرم است. اما این مطلب ایشان چیزی نیست که مورد نزاع باشد. آنی که مورد نزاع است و بحثش مشکل هست این است که چه مقدار انحراف به طرف راست و چپ مجاز است در حال علم و عمد؟ ایشان راجع به این بحثی نکردند.

[سؤال: ... جواب:] شما اگر به یک سمتی باستید که به سمت قطیف هستید، عرف می‌‌گوید استقبال کردید عین کعبه را؟! ایشان می‌‌گوید کسی که مستقبل حرم است از راه دور لامحالة مستقبل عین کعبه هم هست چون عین کعبه جزئی از حرم است. اگر خیلی دور بشود استقبال کند حجاز را، اصلا این طبعا تمام حجاز را استقبال می‌‌کند بما فیه آن جزئی که کعبه در آن واقع است. خب این اصلا یک بحثی است که ایشان مطرح کردند که مورد نیاز نبود. آنی که مورد نیاز بود یک بخش این بود که کلام شیخ طوسی به لحاظ افرادی که نزدیکند به حرم مثل جده درست نیست. برای این‌که جده‌ای‌ها می‌‌توانند به یک بخشی از حرم متوجه بشوند که کعبه جزء آن نیست. افرادی که در مکه هستند می‌‌توانند به بخشی از مسجد الحرام متوجه بشوند که کعبه داخل در آن نیست و این نقض به شیخ طوسی وارد است. خب ایشان هم که این نقض را جواب ندادند بلکه پذیرفتند. گفتند ما راجع به افرادی که در جای دور زندگی می‌‌کنند صحبت می‌‌کنند. راجع به افرادی که در جای دور زندگی می‌‌کنند این بحث ندارد که متوجه حرم بشوند لازم لاینفکش این است که متوجه عین کعبه هستند. بحث در این است که انحراف به طرف راست و چپ چه مقدار مانع است از صدق استقبال عین الکعبة. این در کلام ایشان حل نشد.

ما به نظرمان اگر شک هم بکنیم در صدق استقبال که آیا آنی که آقای خوئی می‌‌گویند که تا بیست و شش درجه انحراف به طرف راست و چپ مانع از صدق استقبال نیست، آیا فرمایش ایشان درست است؟ ما که می‌‌گوییم این فرمایش به اطلاقش خلاف وجدان است. ولی حالا اگر کسی گفت من شک دارم در صدق استقبال، حالا مثلا انحراف به اندازه ده درجه بود، ‌پانزده درجه بود که می‌‌گوید من شک دارم در صدق استقبال یا راجع به فرمایش آقای بروجردی کسی گفت من شک دارم در این‌که آیا آنچه که آقای بروجردی فرمودند که تا چهل و پنج درجه انحراف به طرف راست و چپ مانع از صدق استقبال نیست، آیا این مطلب درست است یا نه؟ در جاهای دیگر ممکن است در شبهه مفهومیه به برائت رجوع کنیم اما اینجا جایش نیست. چرا؟ برای این‌که یک علم اجمالی هست که یا این کار ما این‌که پانزده از جهت قبله منحرف شدیم یا این استقبال قبله هست پس تخلی به سمت آن حرام است یا استقبال قبله نیست پس نماز به طرف آن مجزی نیست. و این علم اجمالی منجز است. ما باید یقین کنیم به صدق عرفی استقبال قبله.

و انصاف این است: راجع به عالم به جهت قبله انحراف تا سه و چهار درجه اصلا محسوس نیست به نظر عرف که عرف بخواهد بگوید تو مستقبل قبله نیستی. و لکن انحراف در حد بیست درجه و بیست و شش درجه و چهل و پنج درجه بلااشکال مانع از صدق عرفی استقبال است حتی از فاصله دور. بلااشکال عرف الان کسی در حرم حضرت معصومه بخواهد نماز بخواند، مستقیم نماز بخواند، عرض کردم نماز مغربش را مستقیم می‌‌خواند، ‌نماز عشائش را به طرف مغرب می‌‌خواند که اختلافش می‌‌شود نود درجه که آقای بروجردی می‌‌گفت یک مقدار اشکال ندارد. حالا کمتر حساب کنید برای این‌که آقای خوئی هم قبول کند، ‌یک نمازش را مستقیم می‌‌خواند به سمت خیابان صفاییه، ‌یک نمازش را چهل و پنج درجه انحراف در آن زاویه می‌‌خواند کی عرف می‌‌گوید این استقبال قبله دارد؟ می‌‌گویند این چه جوری شد؟ یک نماز این جور یک نماز آن جور؟ کدام‌ها قبله است؟ و لذا افرادی که قبله را تشخیص می‌‌دهند باید محاذات عرفیه را مراعات کنند؛ تسامح پذیرفته نیست. تدقیق عقلی نیست ولی تدقیق عرفی لازم است. ما دلیلی نداریم بر اغماض از این مطلب.

[سؤال: ... جواب:] ما در مورد عالم انحراف مختصر سه چهار درجه را مانع از صدق عرفی نمی‌دانیم. ... اما دیگه بخواهد بشود ده درجه، این‌ها به نظر می‌آید که این مضر به صدق استقبال است. ... سه چهار درجه پنج درجه این‌ها مانع از صدق عرفی نیست. ما نمی‌خواهیم تعیین کنیم، درجه نمی‌خواهیم بگذاریم، ‌ما می‌‌گوییم باید خودتان به وجدان عرفی‌تان رجوع کنید که استقبال عرفی صحت سلب نداشته باشد، همانی که در حال تخلی می‌‌گویی عیب ندارد من که رو به قبله نیستم، برای راحتی کارت، ‌همان کاری که در حال تخلی می‌‌کنی و دستشویی را که رو به قبله ساختند یک مقدار کج می‌‌نشینی می‌‌گویی من دیگه رو به قبله نیستم، وجدانا همان جور در نماز برخورد کن. اگر همان مقدار انحراف داشتی در نماز قبول کن که استقبال قبله نداری. تسامح عرفی پذیرفته نیست.

در مورد جاهل ما به نظرمان توسعه دارد. با چند بیان این را می‌‌توانیم بگوییم:

یک بیان این است که عرف اگر تمییز ندهد آن شیئی را که می‌‌خواهد مقادیم بدنش را به سمت آن متوجه کند، ‌تسامح می‌‌کند در مقام عمل و این تسامحش تسامحی است که صادق می‌‌داند عرفا در این حال استقبال را. الان به مردم بگوییم آقا! شما رو کنید به مشهد! قبله‌نما نمی‌گذارند، ‌متوجه شرق می‌‌شوند می‌‌گویند رو به مشهد کردیم. برای جاهل توسعه هست در مفهوم استقبال قبله.

من نمی‌خواهم بگویم توسعه در حد ربع الدائرة، در حد انحراف چهل و پنج درجه به طرف راست یا چهل و پنج درجه به طرف چپ مانع از صدق استقبال نیست. نخیر قطعا در مورد جاهل هم این مانع است. و عرف نمی‌پذیرد که دو نفر یک جا نماز می‌‌خوانند، یکی عالم [جاهل] است تسامح می‌‌کند دیگری جاهل [عالم] است، اختلاف‌شان چهل و پنج درجه از قبله است، عرف نمی‌پذیرد که به آن جاهل بگویند تو مستقبل القبلة هستی ولی به این عالم بگویند تو مستقبل القبلة نیستی. عرف این را نمی‌پذیرد.

اما یک سیره عملیه عرفیه است که توسط شارع هم امضاء شده با آن اطلاقات فول شطر المسجد الحرام، یک سیره عملیه عقلائیه است، توسعه عملیه می‌‌دهند در مورد جاهل، این توسعه عملیه باعث شده یک مقدار انحراف به چپ و راست را مانع از صدق استقبال ندانند. وقتی به یک گروهی می‌‌گویند آقا! رو به کربلا بکنید سلام بدهید! نمی‌گوید آقا! برو آن قبله‌نما را بیاور، رو به مشهد بکن سلام بده، برو آن قبله‌نما را بیاور! اصلا این‌طور نیست. اما باز انحراف در حد چهل و پنج درجه را نمی‌گویم. انحراف در حد بیست و سه درجه، ‌بیست و پنج درجه برای جاهل محرز است، این، توسعه عملیه‌اش. این بیان اول: تمسک به سیره عقلائیه ممضاة.

[سؤال: ... جواب:] شخص جاهل که تشخیص نمی‌دهد قبله را، تشخیص نمی‌دهد مشهد را، ‌به آن سمت که واقع می‌‌شود اگر انحرافش شدید نباشد عرف می‌‌گوید در امتثال امر به استقبال همین کافی است.

بیان دوم: ما از روایات استفاده می‌‌کنیم. همان روایت طاطری که ما سندش را قبول کردیم راجع به اهل عراق فرمود که اجعل الجدی فی قفاک، ستاره جدی ستاره شمال است، کسی که ستاره جدی را در قفای خودش قرار می‌‌دهد یعنی متوجه جنوب است. خب قبله بیست و یک درجه و نیم از جنوب متمایل به شمال است، حالا بعضی از کشورها هم فرق می‌‌کند، مثلا عراق با ایران فرق می‌‌کند در این‌که چه مقدار منحرف بشود از جنوب به شمال. ما عرض‌مان این است که امام می‌‌شد دقیق بفرماید که شما در روز هنگام ظهر به سمت خورشید بایستید این می‌‌شود جنوب، بعد یک مقدار متمایل بشوید به سمت راست که جهت قبله مشخص بشود، و انحرف الی الشمال قلیلا، این را که می‌‌توانست بفرماید، این‌که قابل فهم بود برای همه. اما امام نفرمود. یا در شب، ستاره جدی، امام بفرماید و اجعل الجدی فی قفاک و انحرف قلیلا. این را نفرمود. اگر هم در مرسله صدوق هست که جانب یمین را به سمت جدی منحرف کن در عراق او حمل شده بر استحباب و الا در روایت طاطری فرمود که و اجعل الجدی فی قفاک.

و در هیچ روایتی نیامده که آقا! شما قبله را از چه راهی می‌‌شناسید؟ سیره بر چی بوده؟‌ بر این‌که نگاه به خورشید می‌‌کردند در هنگام ظهر، جنوب را تشخیص می‌‌دادند، حالا یا با دائره هندیه که همین شاخص هست که وقت ظهر که اذان ظهر می‌‌شد آن خطی که تشکیل می‌‌شود، می‌‌شود خط به سمت جنوب یا به همین نگاه احساسی که نگاه می‌‌کند در هنگام ظهر به خورشید، رو به خورشید می‌‌کند می‌‌گوید من رو به جنوب هستم. همین‌جوری قبله را تشخیص می‌‌دادند. خب امام نفرمود که یک مقدار هم منحرف بشوید از این جهت تا جهت قبله رعایت بشود، چون قبله که دقیقا جنوب نیست. اما هیچ نفرمود این را. این معنایش این است که لازم نبود.

بله اگر یک شخصی تشخیص بدهد جهت قبله را، آنجا ما دلیل نداریم بر غمض عین اما اگر تشخیص ندهد جهت قبله را، مثل آن‌هایی که از امام سؤال می‌‌کردند، می‌‌خواستند جهت قبله را از اما یاد بگیرند، امام همان تعریف مسامحی که اتجاه الی الجنوب را بیان فرمود. معلوم می‌‌شود همین کافی است.

پس ما باید بین عالم و جاهل تفصیل بدهیم، اما دقت کنید!‌ راجع به عالم ما معتقدیم انحراف حتی ده درجه هم مشکل است.

[سؤال: ... جواب:] برای عالم ده درجه هم به نظر ما مضر است. بیست و سه درجه در حرم حضرت معصومه انحراف به طرف راست زدند، شما بیایید بگویید نه همان سیزده درجه کافی است، نه، ما دلیل نداریم. چون به نظر دقی عرفی شما استقبال کعبه نکردید. برای شخص عالم این‌طور است. عرض کردم مسجد النبی اگر افراد می‌‌آمدند رو به محراب نماز نمی‌خواندند کج می‌آیستادند کدام ارتکاز عرفی می‌‌گفت این‌ها مستقبل قبله هستند؟ اگر شک هم بکنیم بخاطر علم اجمالی باید احتیاط بکنیم.

اما برای شخص جاهل نه، ما از ادله استفاده کردیم توسعه را. آن روایتی که در مورد استدبار جدی هست روایت معتبره‌اش از طاطری است که خواندیم دیروز که محمد بن مسلم سؤال می‌‌کند حضرت می‌‌فرماید که ضع الجدی فی قفاک و صل. خب امام نمی‌شد به محمد بن مسلم یاد بدهند که یم مقدار منحرف بشو به سمت قبله؟

[سؤال: ... جواب:] محمد بن مسلم از کجا می‌‌داند که قبله انحراف دارد به سمت جنوب؟ بالاخره تمییز نمی‌داد و لذا آمد سؤال کرد. ... احتمال که کافی نیست. قدر متیقن از این روایت این است که کسی که نمی‌داند جهت قبله را انحراف کم به اندازه حتی بیست و پنج درجه مضر نیست برای جاهل. اما آن انحراف چهل و پنج درجه که برای جاهل هم مضر است مگر متمکن نباشد از تحصیل علم و الا اگر متمکن از تحصیل علم است باید تحصیل علم بکند. این مطلبی است که به نظر ما می‌‌رسد.

[سؤال: ... جواب:] این مقدار که در استدبار جُدی یا جَدی تدقیق لازم نیست، معنای این روایت این است که شما سمت شمال را پیدا کند پشت او یعنی سمت جنوب، خب عرفا به سمت جنوب باشد، عرفا به سمت جنوب باشد باید کل بدنش متوجه کل جهت جنوب باشد و لکن مطلب ما این بود امام نفرمود که و انحرف الی الیمین قلیلا تا آن اختلاف بین قبله و جهت جنوب رعایت بشود. امام این را نفرمود با این‌که می‌‌شد بیان کند این اختلاف را امام بیان نکرد. اما اگر سائل بالفعل عالم بود، ‌محراب مسجد پیامبر را مردم علم داشتند چون پیامبر نماز خواند، مسجد کوفه را مردم علم داشتند چون امیرالمؤمنین نماز خواند، با این‌که علم دارند، پیامبر مستقیم نماز می‌‌خواند، این آقا بایستد کج نماز بخواند، می‌‌گویند تو از اولش هم کج بودی، آخه پیامبر دارد صاف نماز می‌‌خواند تو داری کج نماز می‌‌خوانی؟!

[سؤال: ... جواب:] ائمه اطهار کی می‌‌گوید دقیق نمی‌آیستند؟ بحث مردم است. ائمه علم داشتند دقیق می‌آیستند. بحث مردم است. آخه قبله‌ها که به این روشنی مشخص نمی‌شود. قبله خانه من با خانه شما ممکن است مشخص نشود که من در خانه‌ام صاف می‌آیستم شما هم بگویی من هم در خانه‌ام صاف می‌آیستم؟ امام در خانه‌اش صاف می‌آیستند، پس تمام کوچه‌های مدینه صاف بایستند؟ این‌که نمی‌شود که. اما اگر عالم شدند، ‌یعنی آمدند خانه امام نماز خواندند در حالی که امام دارد صاف نماز می‌‌خواند، ‌بگویند آقا! ما بین المشرق و المغرب قبلة؟! این عرفی است؟! نه عرفی است، نه از روایت استفاده می‌‌شود. چون عرض کردم روایت ما حد القبلة؟ ما بین المشرق و المغرب قبلة، ‌وزانش وزان همان موثقه عمار است که می‌‌فرمود اگر در اثناء نماز ملتفت شدی به انحرافت از جهت قبله، اگر ما بین المشرق و المغرب بودی نمازت صحیح است ولی وظیفه ات این است که همان وسط نماز درست قبله را انتخاب کنی. معلوم می‌‌شود ما بین المشرق و المغرب در حال اختیار و علم کافی نیست. اما در حال جهل انحراف به اندازه کمتر از نود درجه که ما بین المشرق و المغرب باشد برای جاهل مرکب یا ناسی یا کسی که قادر بر علم نیست، مسموع است، بیشتر از این ما دلیل نداریم. کسی که ملتفت است، ما دلیل نداریم که ما بین المشرق و المغرب قبلةٌ در حق او، او از روایات استفاده می‌‌شود که در مورد معذور است. بله، عرض کردم انحراف کم به اندازه بیست و پنج درجه و امثال آن برای جاهلی که متمکن از تحصیل علم هم هست مغتفر است.

بحث در جهت رابعه این است: و یعتبر العلم بالمحاذاة مع الامکان و مع عدمه یرجع الی العلامات و الامارات المفیدة للظن.

صاحب عروه فرمود که باید محاذات با عین الکعبة باشد منتها هر چی آدم دورتر بشود دامنه محاذات گسترده می‌‌شود و انسان بیشتر می‌‌تواند جولان بدهد به طرف راست و چپ. و لکن اصل محاذات را آدم باید به آن علم داشته باشد در فرض امکان. خب دلیلش هم این است که شرط نماز عبارت است از استقبال قبله و تحصیل شرط لازم است، اشتغال یقینی مقتضی فراغ یقینی است. این در مورد نماز. در مورد تخلی هم علم اجمالی هست به این‌که تخلی به بعضی از سمت‌ها تخلی نحو القبلة است یا تخلی مستدبر القبلة است و بخاطر این علم اجمالی باید احتیاط کرد. مبادا بروید در قطار بگویید اصل برائت می‌‌گوید جایز است من بروم در این دستشویی قطار تخلی کنم، در دستشویی هواپیما تخلی کنم. کدام اصل برائت؟ شما علم اجمالی دارید که تخلی به دو سمت از چهار سمت حرام است، این علم اجمالی منجز است. آن وقت باید تحصیل علم بکنی اگر امکان دارد.

بله، استصحاب خوب است. قطار یا این هواپیما وقتی حرکت کرد، ‌مشخص بود که دارد سمت قبله می‌‌رود جلو، ‌یعنی مشخص شد که چه جور تخلی بکند، حالا نمی‌دانیم در بین راه این قطار منحرف شد به سمت راست یا چپ، ‌این هواپیما منحرف شد به سمت راست یا چپ، استصحاب بکنیم؛ او عیب ندارد. استصحاب این‌که این قطار هنوز به همان حال سابق است یعنی استصحاب می‌‌کنیم که استقبال قبله این است، استدبار قبله آن است، ‌پس با این استصحاب علم اجمالی را منحل می‌‌کنیم، نمازمان را هم می‌‌توانیم همین‌جور بخوانیم. اول نماز احراز می‌‌کنیم قبله در هواپیما به چه سمت است، بعد شروع می‌‌کنیم نماز ظهر و عصر خواندن، ‌نماز ظهر و عصر طول می‌‌کشد، ‌نماز مغرب و عشاء طول می‌‌کشد، ممکن است تا آخر نماز این هواپیما اصلا منحرف شده به سمت راست و چپ، نه، استصحاب بکن، ‌نیازی هم به فحص نیست.

اما با عدم امکان تحصیل علم رجوع می‌‌کنیم به امارات و علامات ظنیه. ببینیم آیا این امارات ظنیه که در کلمات فقهاء ذکر شده، اجعل الجدی فی قفاک و امثال آن، آیا این‌ها شرعا ثابت است یا ثابت نیست ان‌شاءالله فردا.